سرمقاله: ملی شدن صنعت نفت، پنجاه سال بعد

پنجاه سال پیش در جریان یک واقعهء تاریخی،ملت ایران زمام سرنوشت‏ منابع نفت خود را که دیرزمانی در دست بیگانگان بود،فراچنگ آورد و بر حضور و سلطهء مستقیم کمپانی‏های نفتی خارجی نقطهء پایان نهاد.هرچند که‏ طی سالیان دراز پس از این واقعه،کمپانی‏ها به شیوه‏های دیگری کماکان در جهت بازپس‏گیری و حفظ منافع از دست رفتهء خود کوشیدند،اما باید اذعان‏ نمود که موضوع ملی شدن صنعت نفت در آن برهه،نقطهء عطفی در مسیر حیات‏ این صنعت محسوب می‏شد،صنعتی که در ایران از قدمتی حدودا نود ساله‏ برخوردار است.به گواهی تاریخ،دامنهء تأثیر نهضت ملی شدن نفت ایران به‏ فراسوی مرزهای میهن نیز کشیده شد،از جمله در ماجرای ملی شدن کانال‏ سوئز توسط جمال عبد الناصر،رئیس‏جمهور نامدار مصر که در فاصلهء کوتاهی پس از ملی شدن صنعت نفت ایران صورت عملی به خود گرفت.

بی‏گمان،در مسیر پنجاه سالهء صنعت ملی نفت ایران و در چارچوب یک‏ مجموعهء نظام‏مند برگرفته از سازوکار پیشین و درعین‏حال مستقل این صنعت، همت و ارادهء والای کارشناسان آن،سر منشاء ابتکارات و ابداعات فراوانی‏ بوده است.از موفقیتهای بارز کارشناسان آن،سرمنشاء ابتکارات و ابداعات فراوانی‏ بوده است.از موفقیتهای بارز کارشناسان متعهد این صنعت،شایسته است‏ به مواردی همچون حفظ و حراست مدیترانه و شجاعانه از ذخایر و تجهیزات‏ صنعت نفت که از ابتدای انقلاب اسلامی هدف تحریم خارجی و در جریان‏ جنگ تحمیلی هدف کوبنده‏ترین تهاجمات دشمن قرار گرفت،اشاره نمود.

نمونهء درخشان دیگر را،می‏توان در جریان خاموش‏سازی چاههای‏ مشتعل کویت بعد از حملهء عراق به آن کشور مشاهده کرد و به رای العین دید که چگونه متخصصین متعهد ایرانی،توفیق یافتند که به نحوی مؤثر از این‏ نبرد توأمان فناوری،مهارت و شجاعت با آتش و آهن سرفراز بیرون آمده و از ملت قدرشنان خود،نشان لیاقت دریافت نمایند.

درعین‏حال بایسته است که به ذکر برخی نکات که با ملزومات حفظ منافع ملی در این صنعت همخوانی ندارد،اشاره کنیم.نفت به عنوان‏ عمده‏ترین محصول صادراتی ایران،ما را به یک کشور تک‏محصولی بدل‏ کرده است که هرچند از موهبت دارا بودن این مادهء پرارزش و گردانندهء چرخ‏ صنعت و زدگی مردم دنیا برخورداریم،اما نوسانات درآمد حاصل از آن، اقتصاد ایران را دستخوش فرازونشیبهای غیرقابل‏پیش‏بینی می‏نماید.

یکی از علت‏های این امر آن است که،ایران بخش عمده‏ای از درآمد ارزی خود را صرفا از فروش مستقیم نفت خام کسب می‏کند.این در حالی است‏ که برخی از دیگر کشورهای صاحب نفت به روشهای مختلف اقدام به تنوع‏ بخشیدن به درآمدهای ارزی خود و در نتیجه کاهش اتکای خود به فروش‏ نفت خام نموده‏اند.از جمله،کسب درآمد از صنایع پایین‏دستی و پالایش و فروش فرآورده در کشورهای دیگر،سرمایه‏گذاری در سیستم‏های مالی و تجاری‏ در سایر کشورها،فعالیت در بازارهای کاغذی نفت و گسترش فعالیت در بخش‏های‏ تجاری غیرنفتی،از جمله صادرات مجدد کالا و حتی صدور محصولات کشاورزی.

بررسی آمارها نشان می‏دهد که طی بیست سال گذشته(غیر از بعضی‏ سالهای خاص)،سهم نفت در کل درآمد ارزی کشور هرگز از حدود 90 درصد پایین‏تر نیامده است و از مجموع درآمدهای ریالی دولت نیز درآمدهای ریالی ناشی از فروش ارز حاصله از نفت،همواره بیشترین سهم‏ را به خود اختصاص داده است.البته ذکر این نکته ضروری است که در ایران‏ نیز برخی سازوکارها،از جمله در نظر گرفتن قیمت پایین نفت در برنامهء بودجهء سالانه و نیز تأسیس صندوق ذخیرهء ارزی،به عنوان تدابیری برای‏ کاستن از اثرات منفی نوسانات قیمت نفت خام بر اقتصاد کشور مورد توجه‏ قرار دارد.اما ناگفته پیداست که این تدابیر تنها در شرایطی که قیمت واقعی‏ نفت خام بالاتر از ارقام مورد انتظار باشد،کارایی دارند.

نکتهء دیگر در باب صنعت نفت آن‏که،به دلیل محوری بودن این صنعت ملی‏ در اقتصاد کشور،به نظر می‏رسد که منطقا می‏باید برای حفظ دستاوردهای‏ ملی شدن این صنعت،یک نهضت علمی و فنی پیرامون صنعت نفت و شاخه‏های‏ آن در کشور شکل گرفته باشد،به طوری که ضمن بهره‏گیری از آخرین‏ دستاوردهای علمی و تجربی دیگران،بستری مناسب برای شکل‏گیری‏ دانش و فناوری بومی در زمینهء نفت،گاز و پتروشیمی فراهم آمده باشد.

با اذعان به مشکلات و موانعی که احیانا دیگران بر سر راه ملت برای‏ رسیدن به این مقصود به وجود آورده‏اند،جای این پرسش باقی است که آیا به واقع خودمان تمام کوشش و توان خویش را با عزمی ملی در این عرصه‏ به میدان آورده‏ایم و آیا تمام راههای ممکن را پیموده‏ایم؟یک حرکت علمی‏ در صنایع نفت در ابعاد تحقیقاتی،فنی،مالی،اقتصادی و حقوقی به همراه‏ تجمیع نیروهای کارآمد در مسیری روشن و مورد اتفاق،ضروری به نظر می‏رسد،به طوری که در یک ساختار منسجم و شایسته سالار،صیانت از منابع،بهینه‏سازی مصرف،بازاریابی کارآ و انعقاد مطلوب‏ترین قراردادهای‏ حفظ و توسعهء ذخایر،بیش‏ازپیش تحقق یابد.

کشور ما علاوه بر دارا بودن ذخایر عظیم انرژی،در قلب منطقه‏ای که‏ بیشترین انرژی جهان را دربرمی‏گیرد،واقع شده و تنها کشوری است که بر کرانه‏های دو حوزهء انرژی مورد توجه جهان،یعنی خلیج فارس و خزر قرار دارد.لذا،ایران در بحث امنیت منطقه که امنیت عرضهء انرژی دریا نیز منوط به آن است،نقش تعیین‏کننده‏ای دارد.موضوعات مزبور،به همراه موقعیت‏ ایران به عنوان یکی از مناسب‏ترین مسیرهای انتقال بخش قابل‏توجهی از ذخایر انرژی منطقه به بازار جهانی،سبب می‏شود تا سیاست و تجارت‏ خارجی کشور و تحولات منطقه‏ای،بیش از حد تصور تحت تأثیر چنین‏ موقعیت«ژئوانرژیک»قرار گیرد.متأسفانه در کشور ما،میزان توجه مراکز فکری و فکرساز،مثل دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی و مطبوعات به مسائل‏ سیاسی و اقتصادی نفت و انرژی بسیار کم بوده و به هیچ‏وجه از تناسب لازم‏ با میزان نقش و اهمیت نفت در اقتصاد و سیاست کشور برخوردار نیست.

نکتهء دیگر آن‏که،صنایع نفت و گاز ایران قادر هستند که به مثابهء لوکوموتیو رشد اقتصادی کشور،منابع لازم برای سرمایه‏گذاری را در سایر صنایع یا بخشهای منتخب اقتصادی که رشد و صرفه‏جویی‏های اقتصادی‏ را به حداکثر می‏رسانند،فراهم آورد.این صنایع تولیدکنندهء حاملهای انرژی، از بسیاری از شرایط لازم برای تبدیل شدن به قطب و محور توسعهء اقتصادی‏ کشور برخوردارند و تجربهء حدودا 90 سالهء کشور نشان می‏دهد که این‏ حاملهای انرژی،همواره از بازار تضمین‏شدهء داخلی و خارجی برخوردار بوده‏اند.از طرف دیگر،اکتشاف،حفاری و توسعه،بهره‏برداری و تجارت‏ مستمر ذخایر نفت و گاز و فرآورده‏های آن،مستلزم فعالیتهای گسترده‏ای‏ است که باید در سایر بخشها و صنایع انجام شود.اما متأسفانه،چنین‏ ارتباطی مابین صنایع ئیدروکربوری کشور و سایر بخشها و صنایع برقرار نگردیده و صنایع و دانشگاهها و بخش‏های خدمات فنی،حول نفت توسعه‏ نیافته‏اند،حل این مشکل،از توان بخش نفت و گاز کشور خارج است و نیازمند عزم و ارادهء ملی است.خوشبختانه،امروزه،در بخش نفت بیش از گذشته عزم و ارادهء استفاده از تواناییهای داخلی وجود دارد و این زمینه، بستر مناسبی را فراهم می‏کند که سایر بخشها باید به خوبی از آن بهره گرفته‏ و این تأخیر تاریخی را جبران نمایند.

کلام آخر آن‏که،ملی شدن صنعت نفت ایران با انگیزهء اولیه و بنیانی‏ تأمین منافع ملی شکل گرفت و بدیهی است که برای حفظ دستاورد مزبور در این صنعت حیاتی کشور،می‏باید در همهء احوال،اولویت حفظ منافع‏ ملی مدنظر اولیای امور در همهء سطوح باشد.این صنعت پرسابقه تنها در بستر حرکت یک مجموعهء همسو،توانمند و هدفمند می‏تواند به حیات‏ خود در مسیری درست و شایسته ادامه دهد.